

ویرہ نامہ

روز عرفہ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمین قم
روابط عمومی

السلام علیکم یا اهل بیت

دعای عرفه منشور جاویدان توحید

فضائی معنوی و در کنار کعبه مقدسترین جایگاه مسلمانان و با دلی پرسوز و چشمانی اشکبار قرائت کرده و به عنوان منشور جاویدان توحید برای اهل ایمان به یادگار گذاشته است.

به حقیقت می‌توان گفت که اگر از آن بزرگوار به غیر از همین مناجات سخن دیگری برای رسیدن به حق و معرفت الهی به جای نمانده بود اهل عرفان و ایمان را همین کلمات عارفانه و حیاتبخش بس بود در حالی که دعای عرفه بخش اندکی از معارف بلند و اندیشه‌های عبادی، عرفانی، اجتماعی و سیاسی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را به پیروان حقیقت جوی آن حضرت ارائه می‌کند.

حضرت آیه الله جوادی آملی در مورد این دعای دلنشین و انسان ساز می‌نویسد: مهمترین نیایشی که جنبه سیاسی، عبادی حج و زیارت را به خوبی تبیین می‌کند دعای عرفه عارف معروف در بین اهل معرفت و سیر شاهدان کوی شهود و شهادت، سالار جانبازان میدان نبرد توحید علیه طاغوت، و سرور پاکان و آزادگان، در ساحت فضیلت حضرت حسین بن علی علیه السلام است.

این دعا هم دستور کفر ستیزی و راه طاغوت زدایی و رسم سلحشوری و سنت سرکوبی جنایتکاران را ارائه می‌کند و هم ستایش حکومت اسلامی و تقدیر دولت مکتبی و ظهور ولایت الهی را نشان می‌دهد و هم تجلی هستی و ذات اقدس خداوند و ظهور گسترده و همه جانبه آن ذات مقدس و خفای هرچه غیر اوست در پرتو نور او و پی بردن به او از خود او به غیر او بها ندادن و غیر او را به او شناختن و ذاتش را عین شهود و مستغنی از استشهاد دانستن را تفهیم می‌کند. (۵)

عرفه روز دعا و روز نیایش و مناجات با پروردگار عالمیان است، دعائی که طبق فرموده علی علیه السلام همه هستی انسانهاست. اساساً انسان از خودش چیزی ندارد و در این عالم او فقط مالک دعاست.

علی علیه السلام با اشاره به این معنی در دعای کمیل می‌فرماید: یا سریع الرضا اغفر لمن لا یملك الا الله (۱) دعا تنها وسیله و ابزار در دست انسان است و او با همین سلاح می‌تواند به خواسته‌هایش برسد که همان سلاح انبیاء است. امام رضا علیه السلام فرمود: «علیکم بسلاح الانبیاء» (۲) بر شما باد که خود را به سلاح انبیاء مجهز کنید» و توضیح می‌داد که آن سلاح همان دعاست. امام حسین علیه السلام ناتوانترین مردم را کسی می‌داند که از دعا کردن عاجز باشد و می‌فرماید: اعجز الناس من عجز عن الدعاء؛ (۳)

به همین جهت در روز عرفه گرچه روزه گرفتن مستحب است اما به خاطر اهمیت آن فرموده‌اند که اگر روزه موجب ضعف می‌شود و از دعا کردن باز می‌دارد دعا خواندن بر روزه تقدم دارد. (۴) یکی از زیباترین و شیرینترین دعاها مناجات امام حسین علیه السلام در روز عرفه می‌باشد. آن حضرت در این دعای پرمحتوا و شیوا که در عصر روز عرفه و مناسبترین وقت دعا عرضه شده است، عالیتترین مضامین توحیدی را در قالب کلماتی دلنشین بیان می‌کند.

روح عرفان و معرفت در عرصه توحید الهی در فرازهای مختلف این دعا موج می‌زند و سالکان راه حقیقت را در طی مراحل سیر و سلوک استوارتر، مصمم‌تر و مشتاق‌تر می‌سازد. امام حسین علیه السلام این مناجات عاشقانه را در

اللَّهُمَّ عَلَيَّ كَمَا عَلَيَّكَ لِلنَّبِيِّ

با توجه به اهمیت این مناجات توحیدی در این نوشتار به بررسی فرازهایی از آن می پردازیم. فرجام ستمگران

شوق و افتخار به مقام بندگی سعدی تو کیستی که دم دوستی زنی دعوی بندگی کن و اقرار چاکری بی تردید اگر انسانها مقام و موقعیت خویش را در برابر آفریدگار هستی دریابند و با کمال بندگی به آن اعتراف کنند هرگز از موازین و حدود الهی پافراتر نخواهند گذاشت و به حقوق دیگران نیز بی اعتنائی نخواهند کرد شناخت مقام عبودیت در مقابل حضرت رب الارباب و رعایت حدود آن بنده را به مقامات عالی انسانی نائل کرده و او را به اوج افتخار خواهد رسانید.

گر تو خواهی حزی و آزادگی
بندگی کن بندگی کن بندگی
از خودی بگذر که تا یابی خدا
فانی حق شو که تا یابی بقا

حضرت امام حسین علیه السلام در بخش دیگری می فرماید: «اللهم انی ارغب الیک و اشهد بالربوبیة لک مقراً بانک ربی و الیک مردی ابتدأتنی بنعمتک قبل ان اکون شیئاً مذکوراً؛ خداوند! من مشتاق تو هستم و به ربوبیت تو گواهی می دهم بارالها! من اقرار می کنم که تو پروردگار منی و بازگشت من به سوی تو خواهد بود. خداوند! تو آنقدر مهربان و رئوف هستی که قبل از آنکه من چیزی قابل ذکر باشم مرا نعمت وجود و هستی بخشیدی!». حضرت علی علیه السلام نیز در این زمینه مقام بندگی را تبیین کرده و آنرا بالاترین افتخار انسانی قلمداد می کند و می فرماید: «الهی! کفی بی عزاً ان اکون لك عبدا و کفی بی فخراً ان تکون لی رباً؛ (۸) خدایا این عزت و شکوه مرا بس که عبد تو باشم و این افتخار و سعادت مرا کافی است که تو پروردگار من باشی».

امام در نخستین فرازهای دعا بعد از حمد و ثنای الهی و شمارش صفات جمیل حضرت حق می فرماید: هو للذعوات سامعٌ و للکربات دافعٌ و للدرجات رافعٌ و للجبابرة قامعٌ فلا اله غیره؛ او نیایش دعا کنندگان را می شنود و گرفتاری هایشان را رفع می کند و درجات آن را بالا می برد و جباران و ستمگران را ریشه کن و سرکوب می سازد چرا که هیچ معبود حقی به غیر از او نیست.

حضرت ابا عبدالله ستمگران را به عنوان مهمترین مانع راه سعادت و توحید بیان می کند و تا فرهنگ ظلم و ستم و قدرت بیداد حاکم باشد مردم نخواهند توانست به سوی کمال قدم بردارند. برای همین یکی از سنت های الهی در طول تاریخ مجازات ستم پیشه گان بوده است. قرآن در این زمینه می فرماید: فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم ابواب کل شیءٍ حتی اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتةً فاذا هم مبلسون؛ (۶) هنگامی که «ستمگران نعمتها و اندرزهای ما را» فراموش کردند ما نخست درهای نعمت را به رویشان گشودیم و آنان کاملاً خوشحال شده (و به آن دل بستند) اما ناگهان (حال) آنها را گرفتیم و همگی مأیوس و ناامید شدند. فقطع دابر القوم الذین ظلموا؛ (۷) و به این ترتیب دنباله زندگی ستم پیشگان بریده شد. به گفته صائب تبریزی:

ظالم به ظلم خویش گرفتار می شود
از پیچ و تاب نیست رهائی کمند را

السلام علیکم وعلیٰ آله وعلیٰ سلم

سپاس از فضای توحیدی

اولیاء الهی و بندگان شایسته است. پیشوای سوم در مقام سپاس و قدردانی از نعمتهای فراوان الهی می‌فرماید: «فای نعمک یا الهی احصی عدداً و ذکراً ام ای عطایک اقوم بها شکراً و هی یا رب اکثر من ان یحصیها العادون او یبلغ علماً بها الحافظون؛ بارالها! کدامیک از نعمتهای فراوان ترا می‌شود ذکر کرده و به شمار آورد. یا کدامیک از بخششها و عطایای بی‌حد ترا می‌شود سپاس گفت در حالی که حساب آنان از دست حسابگران و آمار نگاران بیرون است.» امام در فراز دیگری به ناتوانی بندگان در ادای شکر و سپاس الهی پرداخته و عرضه می‌دارد: «لوحاولت و اجتهدت مدی الاعصار و الاحقاب لو عمرتها ان اوّدی شکر واحدة من انعمک ما استطعت ذلك الا بمئک الموجب علی به شکرک آنفاً جدیداً؛ خداوندا! اگر من در طول عصرها و قرنهای عمری داشته باشم و تلاش کنم که شکر یکی از نعمتهایت را بجای آورم نخواهم توانست مگر به عنایت و فضل تو که آن هم نیز شکر جدید لازم دارد.»

و سعدی این مضمون را چه زیبا سروده است:

فضل خدای را که تواند شمار کرد؟

یا کیست؟ آنکه شکر یکی از هزار کرد؟

آن صانع قدیم که بر فرش کاینات

چندین هزار صورت الوان نگار کرد

ترکیب آسمان و طلوع ستارگان

از بهر عبرت نظر هوشیار کرد

بحر آفرید و بز و درختان و آدمی

خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد

الوان نعمتی که نشاید سپاس گفت

اسباب راحتی که نشاید شمار کرد

آثار رحمتی که جهان سر بسر گرفت

ما را به حسن عاقبت امیدوار کرد

چندین هزار منظر زیبا بیافرید

امام حسین علیه السلام از والاترین نعمتهای الهی پرورش در فضای عطرآگین توحیدی و حکومت الهی می‌شمارد. چرا که یکی از مؤثرترین عوامل تربیتی و تأثیرگذار در شخصیت انسانی محیط و جامعه ایست که در آن گام می‌نهد. هر فردی که در خانواده‌ای و محیطی سالم به دنیا آمده و پرورش می‌یابد شایسته است که اولاً از خداوند متعال و ثانیاً از والدین و دست اندرکاران و مربیان و عوامل به وجود آورنده چنین جامعه و فضای سالم سپاسگزار و ممنون باشد. چرا که اگر این بستر مناسب برای رشد صحیح شخصیت انسانها فراهم نمی‌شد معلوم نبود که سرنوشت آنان چگونه بوده و به کجا منتهی می‌گشت.

به همین جهت انسانهای حق شناس همواره از خداوند متعال و پدر و مادر و مربیان و عواملی که موجب شده‌اند آنان در فضائی آکنده از کمالات و معنویات رشد یافته و نفس بکشند شکرگزاری می‌کنند. حضرت با تبیین این واقعیت می‌فرماید: «لم تخرجنی لرأفتک بی ولطفک لی و احسانک الی فی دولة ائمة الکفر الذین نقضوا عهدک و کذبوا رسلك لکتک اخرجتنی للذی سبق لی من الهدی؛ بارالها! از نشانه‌های لطف و احسان تو بر من اینکه مرا در فضای حکومت سردمداران کفر و شرک به دنیا نیاوردی آنانکه عهد تو را شکسته و پیامبرانت را تکذیب کردند بلکه مرا در عصر هدایت و روزگار معرفت (توسط پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله) به وجود آوردی!».

نعمتهای بی‌شمار

سپاس و شکر به درگاه حضرت حق از جمله خصلت‌های

اللَّهُمَّ عَلَيَّ كَمَا عَلَيَّكَ يَا أَبَدَلْتَ فِي

اليه الحوائج فاذا دعوت فسم حاجتك؛ (۱۰) خداوند تبارک و تعالی آنچه را که در دل دارید می‌داند اما دوست دارد که آنرا بر زبان بیاورید و نیازهایتان را به درگاهش اطلاع دهید. پس هرگاه دعا می‌کنید نیازها و خواسته‌های خود را يك به يك بشمارید».

تا کیست که نظر ز سر اعتبار کرد
شکر کدام فضل بجای آورد کسی؟
حیران بماند هرکه در این افتکار کرد.
توحید گوی او نه بنی آدمند و بس
هر بلبلی که زمزمه برشاخسار کرد (۹)
خواسته‌های حیاتبخش

در اوج عرفان

امام در این مناجات آن چنان عاشقانه و عارفانه سخن می‌گوید که دل هر حقیقت جوی عارف را به شوق آورده و به سوی خداوند جلب می‌کند.

امام بعد از اشاره به نعمتهای بی حد و حصر الهی و ناتوانی بندگان در شکرگزاری از آن به درخواست‌های مشروع خویش پرداخته و شیوه دعا کردن و از خدا خواستن را به ما می‌آموزد.

آن حضرت با زیباترین واژه‌های انسانی راز و نیاز می‌کند و عالیتترین ارتباط عرفانی را به نمایش می‌گذارد: «ایکون لغيرك من الظهور ما ليس لك حتى یکون هو المظهر لك، متى غبت حتى تحتاج الی دلیل یدل علیک و متى بعدت حتى تكون الآثار هی التي توصل الیک؟ (۱۱)؛ معبودا! آیا برای غیر تو ظهوری هست که برای تو نیست تا آن تو را آشکار و ظاهر سازد؟ خدایا! تو کی غائب بوده‌ای که تا نیاز به راهنما و دلیلی باشد که به سوی تو رهنمون گردد؟ و کی دور بوده‌ای تا نشانه‌ها و آثار بندگان را به تو رساند؟».

مقام خشوع و خضوع در مقابل حق، سعادت و نیک بختی بر اساس تقوا و طاعت، سرنوشت مبارک و خوشایند، کسب رضایت حق، غنای در نفس، یقین قلبی، اخلاص در عمل، روشنائی و بینائی بصیرت در دین، بهره‌مندی از اعضا و جوارح، یاری در مقابل ستم‌گران، پیروزی بر دشمنان و اجابت دعاها بعنوان چشم روشنی، رفع غم و غصه، پوشیدن عیبها، بخشش گناهان، خوارکردن و سوسه‌گران و شیاطین، آزادی ذمه از حقوق دیگران، عطای بهترین و عالیتترین درجه اخروی و دنیوی بخشی از خواسته‌های حضرت اباعبدالله علیه السلام از درگاه حضرت پروردگار در این دعا می‌باشد.

کی گشته‌ای نهفته که پیدا کنم ترا
غایت نگشته‌ای که شوم طالب حضور
پنهان نبوده‌ای که هویدا کنم ترا
با صد هزار جلوه برون آمدی که من
با صد هزار دیده تماشا کنم ترا

حضرت در این فرازهای از دعای عرفه علاوه بر چگونه خواستن و چه چیزهایی را از خدا خواستن، به ما می‌فهماند که آنچه را که نیاز دارید از درگاه ربوبی بخواهید به زبان بیاورید چرا که این از شرایط و آداب دعا است و به اجابت نزدیکتر می‌باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «ان الله تبارک و تعالی يعلم ما یرید العبد اذا دعاه، ولکنه یحب ان تبث

امام در این فراز معرفت و رسیدن به خدا را بوسیله ذات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ وَلَا تُشْقِنِي
بِمَعْصِيَتِكَ وَخِرْلِي فِي قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا
أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ
فِي نَفْسِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالنُّورَ فِي
بَصْرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ سَمْعِي
وَبَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَأَرِنِي فِيهِ
ثَارِي وَمَارِبِي وَأَقْرَبِ بَدَلِكَ عَيْنِي اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي وَاسْتُرْ
عَوْرَتِي وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَأَخْسِئْ شَيْطَانِي وَفَكِّ رِهَانِي...